

بازتاب وقایع مشروطه بر شعر ایرج میرزا

دکتر حمیدرضا جدیدی^۱

چکیده

ادبیات مشروطه دارای مشخصاتی است که آن را از آثار دوره های دیگر ادب فارسی متمایز می سازد. شعر این روزگار نیز از جنبه های صورت، محتوا و کارکرد واجد ویژگی هایی است که از سایر سروده های ما باز شناخته می شود. انعکاس وقایع بر سروده های شاعران مشروطه کم و بیش دیده می شود. ایرج میرزا این دوره را که از پیش از امضای فرمان مشروطه در ۱۲۸۵ شمسی تا اسفند ۱۳۰۴ یعنی انقراض قاجاریه و شروع سلسله ی پهلوی است، درک کرده در اشعارش به بازتاب بعضی وقایع مهم اجتماع اقدام کرده است. این بازتاب در مقایسه با شاعرانی چون عارف قزوینی، عشقی، بهار، فرّخی و سیداشرف الدّین در سطحی نازلتر است. ایرج شاعری سیاسی- اجتماعی نبوده که آثارش بر اساس احساس رسالت اجتماعی آفریده شود، بلکه از هنر خود بیشتر برای تفنن و سرگرمی، انتقام و جلب منفعت مادی بهره برده است. در این نوشتار سعی شده است پس از بر شمردن مهم ترین ویژگی های شعر مشروطه و بیان مختصری از زندگی ایرج میرزا، بازتاب وقایع مهم روزگار بر سروده های او بررسی شده، ضمن سود جستن از کتب تاریخی، نحوه ی انعکاس اتفاقات بر اشعار این شاعر شیرین سخن و اثر گذاری این سروده ها بر مردم جامعه آشکار گردد. بدیهی است دلیل بسیاری از شکست ها و پیروزی های ایرانیان در این دوره با دقت در آثار ادبی شاعرانش نمایان می گردد چرا که شعر مشروطه آینه ی وقایع مهم آن است.

واژگان کلیدی: مشروطیت، اجتماع، ایرج میرزا، بازتاب وقایع.

مقدمه

در شکل‌گیری نهضت مشروطیت ایران عوامل داخلی و خارجی بسیاری دخالت داشته است. ایرانیان با هدایت روحانیون، روشنفکران و بعضی رجال سیاسی و اقتصادی در سایه‌ی این جنبش بر آن شدند تا در نحوه‌ی اداره‌ی میهن خویش که لبریز از مشکلات بود دخالت کنند و با بهره‌جویی از قانون و مجلس به عدالت، آزادی و پیشرفتی در خور دست یابند و قدرت شاه را محدود و مقید سازند. واقعه‌ی تحریم توتون و تنباکو، رژی، در ۱۲۷۰ ش، عملاً آغازگر حرکتی شد که در ۱۲۸۵ ش/۱۳۲۴ق، با امضای فرمان مشروطه به دست مظفرالدین شاه به ثمر نشست.

دستاوردهای این انقلاب پس از فراز و فرودهایی چون اختلافات داخلی، دخالت و فشار دول خارجی، جنگ جهانی اول، قحطی، عدم کفایت شاه جوان، کابینه‌های زودگذر در بهار ۱۳۰۵ ش، با شروع رسمی پادشاهی پهلوی اول و آغاز دیکتاتوری او به فراموشی سپرده شد. این خیزش بر تمام ارکان جامعه به ویژه حوزه‌ی فرهنگ و هنر اثر گذاشت. لذا ادبیات و شعر نیز از جهت مخاطب، قالب، مضمون، درونمایه، زبان و اندیشه تغییراتی اساسی کرد. شاعران متأثر از وقایع اجتماع از سروده‌هایشان برای آگاهی بخشی جامعه، تبلیغ منافع نهضت، حرکت زایی و بیگانه‌سستیزی بهره بردند و مردم را به حمایت از دستاوردهای آن فراخواندند. از این رو سروده‌هایشان بازتاب رویدادهایی شد که سرنوشت اجتماع را رقمی زد و قادر بود بر روند تحولات اثرگذار باشد.

طبیعی است که شاعران این روزگار از نظر توان هنری، کثرت اشعار، اندیشه‌های نو و دیدگاه‌های سیاسی و نحوه‌ی اثرپذیری از اراده‌ی جامعه‌ی انقلابی و اثرگذاری و هدایت مردم و رویدادها در یک سطح نبودند؛ لذا اشعارشان که آینه‌ی حقیقی اتفاقات

آنست باید از جهت رویکرد اجتماعی آن تحلیل و تبیین گردد. بدون تردید نگاه شاعر به یک واقعه همیشه با نگرش مورخ متفاوت است، در شعر به دلیل آمیختگی آن با احساس و تخیل، بهره بردن از آرایه های سخن، ماهیت آن و شکل های خیال، دقت چندانی وجود نداشته، حبّ و بغض ها در نحوه ی روایت تأثیر می گذارد؛ لذا برای آگاهی درست از آن اتفاق نیازمند مراجعه به متون تاریخی هستیم تا بتوانیم تحلیلی نزدیک به واقعیت ارائه کنیم.

ویژگی های مهم شعر مشروطه

ویکتور هوگو معتقد است: "قاطع ترین نتیجه ی مستقیم یک انقلاب سیاسی، انقلابی ادبی است." (محمدی، ۱۳۷۳: ۳۵/۱). انقلاب مشروطیت تسلط خود را بر تعلیم و تربیت، فرهنگ و شیوه ی نوشتاری بسط داد و شکل و محتوای ادبیات هم تحولی را در پهنه ی فنون و موضوعات ادبی آغاز کرد. (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۶۲). به طور کلی منظور از ادبیات مشروطه همان آثار منظوم و مثنوی است که ضمن تمایزهای ظاهری از حیث محتوا نیز در بردارنده ی مفاهیمی است که پیشتر در ادب فارسی به این شکل و بسامد سابقه نداشته است؛ یعنی بخشی از ادب فارسی که مقارن با تکوین مبانی فکری جنبش مشروطه خواهی آغاز شد و تا ۱۳۰۵ ش استمرار یافت (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۲: ۶۹). این شعر از نظر درون ساخت و اهداف سرودن به بیداری مردم و برانگیختن احساسات ملی و میهنی آن ها، ترویج آزادی های فردی و اجتماعی، طرد خرافات، بیگانه ستیزی، انتقاد از نابسامانی ها و آشنا کردن مردم با حدود و حقوق خود تأکید دارد. (نک به ذاکر حسین، ۱۳۷۷: ۴۸/۱ و ۴۹)، لذا توجه به درونمایه هایی چون وطن، آزادی، دموکراسی و تجلیل از عظمت ایران پیش از اسلام، انزجار از بیگانگان و توجه به مدنیت غربی و دستاوردهای آن کاملاً در اشعار محسوس است،

از جهت وزن نیز اشعار هنوز از نظام عروضی کهن تبعیت می‌کند (منیب الرحمان، ۱۳۷۸: ۹۴) و بعضی شاعران مثل لاهوتی و دولت آبادی به سرودن اشعار هجایی که براساس برابری تعداد هجاها در مصراع‌ها بدون توجه به نوع آن‌ها بوده، اقدام کردند که البته مورد توجه واقع نشد (نک به محمدی، ۱۳۷۳: ۱/ ۶۶).

قالب اشعار نیز شکل سنتی خود را حفظ کرد و از مستزاد، مسمط ترجیح بند و ترکیب بند بیشتر استفاده شد و برخی قالب‌ها و اشکال شعری متأثر از اشعار اروپایی هم مورد توجه شاعران قرار گرفت. (نک به شفیع کدکنی، ۱۳۸۲: ۷۷؛ زرین کوب، ۱۳۵۸: ۳۰)

همچنین قالب‌های تازه‌ی بی با دخل و تصرف در اشکال سنتی مرسوم شد (شمیسا ۱۳۷۵: ۳۴۱)، بحر طویل که بیشتر در بعضی اشعار عامیانه سابقه داشت هم مورد استقبال واقع گردید (طغیانی، ۱۳۷۸: ۱۶۸/۱). تمایل به ابیات کوتاه و اوزان سبک‌تر دیده شد و شعر متأثر از سروده‌های عامیانه گردید (سرودی، ۱۳۸۲: ۱۶۶). تصنیف که از اشکال تغزلی و گاه اجتماعی پیشینیان بود در این دوره به قالبی کارآمد برای بیان افکار و آرمان‌های مشروطه‌خواهی در آمد (منیب الرحمان، ۱۳۷۸: ۱۲۶).

زبان شعر این روزگار به دلیل تغییر مخاطبان به زبان مردم کوی و برزن نزدیک شد و بعضی واژگان و اصطلاحات فرنگی نیز بدان راه یافت (نک به شفیع کدکنی، ۱۳۸۲: ۷۵، ۷۶؛ شمیسا، ۱۳۷۵: ۳۴۱). نزدیکی به زبان مردم در دو حوزه‌ی صرف و نحو اتفاق افتاد (محمدی، ۱۳۷۳: ۱/ ۹۷).

شعر مشروطه به سبک روزنامه‌نویسی نزدیک شد و گاهی عهده‌دار وظیفه‌ی گزارش واقعیت‌ها گردید (آجودانی، ۱۳۸۷: ۱۶۷). در این دوره شاعری از «شغل» به «رسالت» و «من شخصی شاعر» به «من اجتماعی» تبدیل شد. مخاطبان عام جایگزین مخاطبان خاص و اشراف شده، ویژگی‌های بومی و اقلیمی شاعر به فضای سروده‌ها

راه یافت (نک به امین، ۱۳۸۴: ۷۰ تا ۷۳).

روی هم رفته شعر مشروطه شعری پرجوش و خروش، متأثر از زندگی، پویا، شتابزده، بازبانی ساده و همه فهم اما مؤثر همراه با چاشنی طنز و انتقاد و بیانی شجاعانه بود که بسیاری از این ویژگی ها در شعر ایرج میرزا مشاهده می شود.

زندگی و شعر ایرج

جلال الممالک، ایرج میرزا، فرزند غلامحسین میرزا که از شاهزادگان قاجار بود در رمضان ۱۲۹۰ یا ۱۲۹۱ در تبریز زاده شد (آرین پور، ۱۳۷۲: ۳۸۴/۲؛ حقوقی، ۱۳۷۸: ۴۹۹). پس از تحصیلات ابتدایی و مقدماتی و آموزش زبان فرانسه در شانزده سالگی ازدواج کرد ولی پس از سه سال با مرگ همسر و پدرش اداره ی امور خانواده به وی واگذار شد (محمد اسحاق، ۱۳۷۱: ۱/۱۸۹).

پدر و پدربزرگش شاعرانی متوسط بودند و لقب «صدرالشعرايي» ظاهراً پس از مرگ پدر مدتی به ایرج اطلاق شد، شاید هم ولیعهد مظفرالدین میرزا این لقب را به ایرج بخشید. امیر نظام گروسی نیز به وی لقب «فخرالشعرايي» داد اما این القاب شاعر جوان را شادمان نکرد چرا که او علاقه نداشت شاعری ستایشگر و قصیده سرا باشد. (منیب الرحمان، ۱۳۷۸: ۶۰؛ محجوب، ۱۳۵۵: بیست و هفتم). امیر نظام، که مردی فاضل و صاحب هنر بود، ایرج را چون فرزندش تحت حمایت گرفت و تشویق های او بسیار کارگر افتاد. بخش اعظم عمر ایرج به مشاغل دولتی گذشت، وی حتی قوام السلطنه را در سفر اروپایی همراهی کرد و پس از این مسافرت مناصب مهمی چون ریاست اطاق تجارت آذربایجان، مترجمی مستشاران بلژیکی در اداره گمرک، ریاست صندوق پست و گمرک کردستان، ریاست دبیرخانه ی وزارت معارف، ریاست دفتر ایالتی آذربایجان، معاونت حکومت اصفهان، حکومت آباده، مأموریت در گمرک

بندر انزلی، ریاست دفتر محاکمات وزارت مالیه، معاونت مالیه ی خراسان، کفالت مالیه ی خراسان و بازرسی کل مالیه ی خراسان به وی محول شد. (حاج سیدجوادی، ۱۳۸۲: ۳۴۵). ایرج هنگام امضای فرمان مشروطه حدوداً ۳۴ سال داشت و پس از آن هم قریب بیست سال زیست و از این جریان اجتماعی متأثر شد (محبوب، ۱۳۵۵: بیستم).

در کتاب تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، دو بار از حضور ایرج در فرآیند انقلاب یاد شده، یکی شرکت وی در جلسه ی مخفی روشنفکران و آزادی خواهان در باغ میرزا سلیمان خان میکده در ۱۲ ربیع الاول ۱۳۲۲ و دیگری شرکت در تحصن مردم و علما در حرم شاه عبدالعظیم در صفر سال بعد (ملک زاده، ۱۳۸۳: ۲۳۹/۲ و ۲۹۳). وی همچنین در انجمن های فراماسونی به همراه گروهی از مشروطه خواهان شرکت می کرده است (رائین، ۱۳۷۸: ۱۷۸/۲).

با این که بعضی منکر دخالت مستقیم ایرج در امور سیاسی و مبارزاتی هستند (نک به آرین پور، ۱۳۷۲: ۳۸۶/۲)؛ وی در مثنوی «انقلاب ادبی» خود در جایی از داستان مهاجرت در محرم ۱۳۳۴ به قم سخن گفته است. (نک به ایرج میرزا، ۱۳۵۵: ۱۲۵)، اگر ایرج همراه مهاجران به قم رفته احتمالاً پس از مدتی به تهران بازگشته است. در روزشمار زندگی او مقارن همین ایام شاهد خودکشی پسر محبوبش جعفر قلی میرزا در تهران هستیم که این دو پیشآمد می تواند به هم مربوط باشد. (محمدی، ۱۳۷۳: ۱۸۲/۱؛ آرین پور، ۱۳۷۲: ۳۸۷/۲).

به هر روی ایرج از جریان انقلاب و قضایای پس از آن برکنار نبوده به ویژه که در مسافرت اروپا شاهد ترقی ممالک دیگر بوده و در جمع دوستانش با بزرگانی چون دهخدا، عارف و بهار مراداتی داشته است.

او در اواخر عمر یعنی خرداد ۱۳۰۳ در میان استقبال گرم مردم، شاعران، ادیبان و به ویژه زنان روشنفکر به تهران باز می گردد. منزل او محل اجتماع شاعران جوان

ایرج که خط خوبی داشت و به زبان های فرانسه، عربی، روسی و ترکی هم آشنا بود، پندهای اخلاقی را زیبا و ساده بیان می کرد. بزرگ ترین نقطه ضعف وی رکاکت و صراحت ناخوشایندی است که در شرح صحنه های منافی عفت داشته است (محمدی، ۱۳۷۳: ۱۸۴/۱). توانایی او در ادبیات انتقادی غیرقابل انکار است؛ وی که شاهد نابسامانی های فراوان فردی و اجتماعی بود با نومیذی زندگی و جنبه های گوناگونش را به استهزاء می گیرد. هزل و هجو و مطایبه های ایرج نیرومند، ویرانگر و شنیع است و در شوخی و طیبتش نیز الفاظ مستهجن به فراوانی دیده می شود. (نک به بهزادی، ۱۳۸۳: ۶۸۱ تا ۷۱۰).

روی هم رفته اشعار او در کنار بعضی سروده های دهخدا، بهار و اشرف الدین نخستین تلاش های بهره جویی از طنز اجتماعی در شعر فارسی به حساب می آید. (منیب الرحمان، ۱۳۷۸: ۱۳۷).

«عارفنامه» ی او در ۵۱۵ بیت از مشهورترین منظومه های روایی عهد مشروطیت است و «زهره و منوچهر» اش که ترجمه ی آزادی از «نوس و آدونیس» شکسپیر است از آخرین اشعار ایرج محسوب می شود که در کنار قطعه های مادر، قلب مادر و شعر سنگ مزارش از جذابیت فراوانی برخوردارند (نک به ایرج میرزا، ۱۳۵۵: ۷۵ تا ۱۱۹، ۱۶۷، ۱۹۱، ۱۵۲). شعر ایرج در میان شاعران همروزگارش هم از حیث زبان و هم از حیث پاره یی نوآوری ها در مضمون به شعر شاعران خاص دوره ی مشروطه شبیه است. با این تفاوت که شعر او فاقد غلطهای فاحش دستوری است. (آجودانی، ۱۳۸۷: ۱۶۶).

وقایع مشروطه و شعر ایرج

با عنایت به طبع روان و سادگی بیان، از ایرج اشعار زیادی باقی نمانده، وی از این که شاعری را به عنوان شغل و وظیفه دنبال کند کراهت داشت و عموماً به مناسبت هایی

ایران عملاً بین دو قدرت روس و انگلیس تقسیم گردید (نک به شیخ الاسلامی، ۵۶/۱) ایرج میرزا پس از آگاهی از مفاد قرارداد با لحنی طنزآمیز مقامات مملکتی را به دلیل این همه غفلت به باد تمسخر گرفته از دست رفتن ایران را با تمثیل غارت بقالی به دست گربه و موش به وصف می‌نشیند:

گویند که انگلیس با روس عهدی کردست تازه امسال
کاندر پلتیک هم در ایران زین پس نکنند هیچ اهمال
افسوس که کافیان این مُلک بنشسته و فارغند از این حال
کز صلح میان گربه و موش بر باد رود دکان بقال

(ایرج میرزا، ۱۳۵۵: ۱۹۲)

در مثنوی انقلاب ادبی، ایرج به جنگ اول جهانی و جدال متحدین و متفقین اشاره دارد و خود را از کسانی می‌شمرد که در مهاجرت شرکت نموده است ولی ظاهراً تا قم بیشتر نرفته است. (۱) هدف ایرج از سرودن این مثنوی بیان خاطره‌ی بی از آن سفر است که در آن به انحراف اخلاقی شایع در آن زمان اشاره می‌کند:

اندر آن سال که از جانب غرب شد روان سیل صفت آتش حرب
انگلیس از دل دریا برخاست آتشی از سر دنیا برخاست
پای بگذاشت به میدانِ وَا حافظ صلح جهان امریکا

(ایرج میرزا، ۱۳۵۵: ۱۲۵)

و آلمانی‌ها از ایران حمایت مالی می‌کنند، اتفاقی که میرزاده‌ی عشقی نیز در سروده‌ی ای بدان اشاره کرده است (نک به میرزا عشقی، ۱۳۴۴: ۳۵۵).

گاری لیره ز آلمان آمد به تن مردم ری جان آمد

(ایرج میرزا، ۱۳۵۵: ۱۲۵)

و ایرانی‌ها اکثراً با عثمانی و آلمان که یکی همکیش و همسایه و دیگری هم نژاد

کارتان را که بود فرض و سزد لازمتر از همه کار و همه چیز فراموش مکن
گر رئیس الوزرا خواهی و آسایش مُلک مخبرالسلطنه را نیز فراموش مکن
(ایرج میرزا، ۱۳۵۵: ۱۹۶)

پس از استعفای مستوفی الممالک در اردیبهشت ۱۲۹۷ که احمدشاه، صمصام السلطنه ی بختیاری را به عنوان رئیس الوزرا معرفی می کند ایرج به این گزینش می خندد. جالب این است که صمصام پس از مدتی در کابینه ی خود تغییراتی می دهد و نفوذ بختیارها در دولت، شاه جوان را هراسناک می کند احمدشاه تلفنی به او اطلاع می دهد که: “شما دیگر وزیر نیستید و استقامت شما در برابر شاه عواقب وخیم دارد.” ولی او به کارش ادامه می دهد، این کابینه به کابینه ی لُری، شهرت می یابد و پس از آن حسن وثوق الدوله به تشکیل دولت می پردازد (ذاکر حسین، ۱۳۷۷: ۴۵۴/۱) ایرج در شعر خود صمصام راهالو خطاب می کند:

این شنیدم که چو کابینه‌ی مستوفی رفت فرصت افتاد به کف، مردم فرصت جورا...
شاه فرمود من اقدام به کاری نکنم تا نسنجم همه خوب و بد و زیرو رو را...
پس از اندیشه مرا رأی به صمصام افتاد از همه خلق پسندیدم این هالورا!
(ایرج میرزا، ۱۳۵۵: ۱۹۶)

ایرج غزلی زیبا با مطلع

آزرده ام از آن بت بسیار ناز کن پا از گلیم خود فزونتر دراز کن
که آن را به استقبال غزلی از حسن وثوق الدوله سروده، در کابینه ی وثوق که بعد ها به کابینه ی قرارداد، معروف شد، سرکوب و دستگیری افراد گروه کمیته ی مجازات، یاغیان اصفهان، یاغیان کاشان (ماشاءالله خان و پدرش نایب حسین کاشی) در ۱۲۹۸ خورشیدی واقع شده است. ایرج در پایان این شعر به این وقایع اشاره دارد:
فرخ وثوق دولت کز عدل او نماند دست طمع به مال رعیت دراز کن

از ورشکستگی نجات بخشید (۳) جدیت وی به مذاق شاعرانی چون فرخی و ایرج خوش نیامد، فرخی او را نوکری خواند که آقایی می‌کند:

آن را که برای نوکری آوردیم دیری نگذشته زود آقا شده است

(فرخی، ۱۳۷۸: ۲۷۱)

ایرج نیز در سروده‌ی ۹ بیتی وی را هجو کرد. حسین مکی دلیل این کار را نرسیدن ایرج به رتبه‌ی بالاتر اداری به خاطر عدم استحقاقش ذکر نموده است (مکی، ۱۳۷۸: ۳۱۲/۴). ایرج در این هجویه میلسپو را خر بالا بلندی چموش و بدلگام می‌شمارد. البته روی سخن ایرج به علایی است که در آوردن این مستشار نقش ایفا نموده است. مطلع شعر این گونه است:

نبینی خیر از دنیا علایی رسد از آسمان بر تو بلایی

(ایرج میرزا، ۱۳۵۵: ۱۵۵)

هنگام سکونت ایرج در مشهد، واقعه‌ی قیام کلنل محمد تقی خان پسیان و در ادامه سرکوبی و قتل این مرد وطن پرست، واقع شد. کلنل بعد از رئیس الوزرای احمد قوام، برادر وثوق در مرداد ۱۳۰۰ قیام کرد و در نهم مهرماه همین سال در جعفرآباد خراسان در جنگ با کرد های قوچان کشته شد و سر از تنش جدا کردند. (۴) ایرج در این هنگام سرود:

به احترام به این سر نظر کنید ای خلق که بی حیات ولی در حیات جاوید است

بدل به این سر بی تن شود دو روز دگر نشان بیرق ایران که شیروخورشید است

(ایرج میرزا، ۱۳۵۵: ۱۶۸)

در قطعه‌ی هفده بیتی دیگری با مطلع:

دل‌م به حال تو ای دوستدار ایران سوخت که چون تو شیر نری را در این کنام کنند

نیروهای تحت امر کلنل در ژاندارمری را به قیام و خونخواهی دعوت می‌کند:

رسید نوبت آن کز برای خون خواهی تمام عده‌ی ژاندارمری قیام کنند

(ایرج میرزا، ۱۳۵۵: ۱۸۳)

البته ایرج شعر دیگری در این مورد سروده با مطلع:

مخور غصه ی بیش و کم در جهان که تابنگری بیش و کم فوت شد
(همان، ۱۷۶)

پس از تصمیم مجلس پنجم در خلع احمد شاه ایرج سروده است:

خوب داند حساب خویش جهان این محاسب بسی ذکی باشد
احمد از تخت چون فرود آید پهلوی جاش متکی باشد
به حساب جمل هم آرشمر یا حمد و پهلوی یکی باشد
(همان، ۱۷۵)

که هر دو این اسامی ۵۳ می شوند و با هم برابرند.

پایان بخش سخن شعر رندانه یی از ایرج است که در آن اوضاع آشفته ی جامعه گزارش می شود و احمد شاه معزول و رضاخان منصوب با درج یک مثل عامیانه به دزدی از بیت المال متهم می شوند:

هرکس ز خزانه برد چیزی گفتند مبر که این گاه است
تعقیب نموده و گرفتند دزد نگرفته پادشاه است
(همان، ۱۶۹)

نتیجه

مانند اکثر شعرای عهد مشروطیت در سروده های ایرج میرزا نیز رایحه ی اجتماعی شدن به مشام می رسد. انعکاس وقایع در سروده های ایرج میرزا مبین این حقیقت است که وی از سر احساس مسئولیت و درک رسالت اجتماعی یا شور یک مبارز انقلابی به این اتفاقات نظر نداشته است. شعر برای جلال الممالک و سیله ی تفریح، انتقام و جلب منفعت شخصی است. او به هر واقعه یی نگاهی طنز آمیز دارد و از

نیش کلامش هیچ چیز و هیچ کس در امان نیست. اکثر اشعار ایرج بنابر مقتضیات جلسه های شادخواری دوستانه سروده شده و نگاه ایرج به وقایع، محصول فلسفه ی شخصی وی نیست؛ او اغلب از این پیشآمدها یاد می کند تا در ساختن طنز یا پرداختن هزل و ارائه ی هجوی بهره ببرد. اگر به اتفاقی اشاره می کند به این دلیل نیست که نظر خاصی دارد یا قصد دارد مردم را به جنبش و حرکتی وادار سازد یا وظیفه ی ملی و دینی را به جا آورد، بلکه از این روست که آن را دستمایه ی نفعی ساخته یا بر پایه اش هجوی پردازد. شعر او هیچ گاه در روشن کردن مسیر یک جامعه ی انقلابی و ترقی خواه مورد توجه نبوده و نیست؛ لحنی دوستانه، طبعی روان، طنزی شیرین و گزنده، هزلی دلخواه و هجوی ویرانگر، دلایل اصلی توجه فارسی زبانان به سروده های این شاعر شاهزاده بوده است.

پی نوشت ها

- ۱- ایرانیان مهاجر به ریاست نظام السلطنه مافی دولت در هجرت تشکیل دادند که مرحوم مدرس هم از اعضای آن کابینه بود. پس از تصرف کرمانشاه به وسیله ی روس ها اعضای این دولت به استامبول مهاجرت کردند. (نک به ذاکر حسین، ۱۳۷۷: ۳۷۸/۱؛ آرین پور، ۱۳۷۲: ۲۵۱/۲؛ شیخ الاسلامی، ۲۴۶/۲).
- ۲- برای آگاهی بیشتر از اتفاقات و مشکلات این سال نک به ملک زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۲۲/۷؛ غنی، ۱۳۷۷: ۳۲)
- ۳- جهت آگاهی بیشتر در مورد دو بار آمدن میلسپو به ایران و خدمات او نک به غنی: ۱۳۷۷: ۲۹۶ تا ۲۹۸؛ مکی، ۱۳۷۴: ۱۳۴/۲ تا ۱۳۶ و ۳۰۹/۴ تا ۳۱۶
- ۴- برای اطلاعات بیشتر در مورد کلنل و سرانجام وی نک به بهار ۱۳۷۱: ۱۵۶/۱؛ شمیم، ۱۳۷۵: ۶۲۷؛ ذاکر حسین، ۱۳۷۷: ۵۵۷/۱ و ۵۵۸؛ آذری، ۱۳۵۲
- ۵- برای آگاهی بیشتر نک به رحیم زاده صفوی، ۱۳۶۸: اسرار سقوط احمدشاه که مبین تفکرات شاه به فرنگ پناه برده است و مکی، ۱۳۷۴: ۴۶۳/۳؛ شمیم، ۱۳۷۵: ۶۴۵؛ هدایت، ۱۳۷۵: ۳۷۰؛ دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۳۸۶/۴ تا ۳۸۸

منابع

- ۱- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۷). یا مرگ یا تجدد، دفتری در شعر و ادب مشروطه، تهران، اختران، چاپ چهارم.
- ۲- آذری، علی (۱۳۵۲). قیام محمد تقی خان پسیان، تهران، صفی علیشاه، اول.
- ۳- آرین پور، یحیی (۱۳۷۲). از صبا تا نیما، ج ۲، تهران، زوآر، چاپ پنجم.
- ۴- آفاری، ژانت (۱۳۷۹). انقلاب مشروطه ی ایران، ترجمه رضا رضایی، تهران، بیستون، چاپ اول.
- ۵- انصاری، مهدی (۱۳۷۶). شیخ فضل الله نوری و مشروطیت (رویارویی دو اندیشه)، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم.
- ۶- ایرج میرزا (۱۳۵۵). تحقیق در احوال، آثار و افکار و اشعار، به اهتمام دکتر محمد جعفر محجوب، تهران، نشراندیشه، چاپ چهارم.
- ۷- بهار، محمدتقی (۱۳۷۱). تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم.
- ۸- بهزادی، حسین (۱۳۸۳). طنزپردازان ایران، از آغاز تا پایان دوره قاجار، تهران، داستان، چاپ اول.
- ۹- حاج سید جوادی، حسن (۱۳۸۲). بررسی و تحقیق در ادبیات معاصر ایران، تهران، گروه پژوهشگران ایران، چاپ اول.
- ۱۰- حقوقی، محمد (۱۳۷۸). مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران، تهران، قطره، چاپ سوم.
- ۱۱- دولت آبادی، یحیی (۱۳۷۱). حیات یحیی (۴جلد در دو مجله). تهران، فردوس، چاپ ششم.

۱۲- ذاکر حسین، عبدالرحیم (۱۳۷۷). ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، تهران، علم، چاپ اول.

۱۳- رائین، اسماعیل (۱۳۷۸). فراموشخانه، فراماسو نری در ایران، تهران، رائین، چاپ اول.

۱۴- رحیم زاده، صفوی، علی اصغر (۱۳۶۸). اسرار سقوط احمدشاه به کوشش بهمن دهگان، تهران، فردوس، چاپ دوم.

۱۵- زرین کوب، حمید (۱۳۵۸). چشم انداز شعر نو فارسی، تهران، توس، چاپ اول.

۱۶- سپانلو، محمدعلی (۱۳۷۶). شهر شعر ایرج، تهران، علم، چاپ اول.

۱۷- سرودی، سرور (۱۳۸۲). "سیر مشروطه خواهی در ادبیات"، انقلاب مشروطیت، سری مقالات دانشنامه ی ایرانیکا، تهران، امیرکبیر، چاپ اول.

۱۸- سیف پور فاطمی، نصرالله (۱۳۷۸). آیینه ی عبرت، خاطرات دکتر سیف پور فاطمی، به کوشش علی دهباش، تهران، چاپ اول.

۱۹- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۲). ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما، ترجمه حجت الله اصیل، تهران، نی، چاپ دوم.

۲۰- شمیسا، سیروس (۱۳۷۵). سبک شناسی شعر، تهران، فردوس، چاپ دوم.

۲۱- شمیم، علی اصغر (۱۳۷۵). ایران در دوره ی سلطنت قاجار، تهران، مدبر، چاپ هفتم.

۲۲- شیخ الاسلامی، محمدجواد (۱۳۷۲). سیمای احمدشاه قاجار، (۲جلد)، تهران، گفتار، چاپ دوم.

۲۳- طغیانی، اسحاق (۱۳۷۸). "تأثیر انقلاب مشروطه در ادبیات فارسی"، مجموعه مقالات نهضت مشروطیت ایران، جلد اول، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر

- ۳۴- میرزاده عشقی (۱۳۴۴). کلیات مصور عشقی، به کوشش علی اکبر مشیر سلیمی، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم.
- ۳۵- هدایت، مخبرالسلطنه، حاج مهدی قلی (۱۳۷۵). خاطرات و خطرات، تهران، زوار، چاپ پنجم.